

An Analysis of the Historical Significance of the Persian Gulf in Iran-Europe Relations

Mohammad Amin Ahmadi¹
Rouhollamin Saeidi²

The Persian Gulf plays a decisive role in the formation and evolution of relations between Iran and Europe. This region has consistently served as a communicative and commercial route between Iran and European powers, and the first civilizational encounters between them occurred via the Persian Gulf. Using a descriptive-analytical method and drawing on documents, library resources, and historical reports, the present study seeks to examine the trajectory of this region's influence on Iran-Europe interactions. The authors aim to contribute to a better understanding of the Persian Gulf's significance in the current and future state of Iran-Europe relations by analyzing its historical role. Therefore, the central question of this paper is: Over the years, what has been the status and impact of the Persian Gulf on Iran-Europe relations, and what has been its evolutionary course? The research findings indicate that throughout history, the Persian Gulf has held a progressively increasing importance in Iran-Europe relations. Its role has ranged from being a theater for colonial rivalries between European powers in past centuries to influencing the outcomes of World Wars and international confrontations. Most notably, the discovery of oil in the 20th century transformed the Persian Gulf into one of the most critical levers of either engagement or confrontation between Iran and Europe. The results of this study demonstrate that the Persian Gulf has functioned as a geopolitical variable in Iran-Europe relations in every historical period and, considering contemporary global issues, will continue to be a determining factor in the future of these relations.

▪ **Keywords:**

Iran, Europe, Persian Gulf, Relations, Analysis, Historical Significance.

¹. MA Student in Islamic Education and Political Science, Faculty of Islamic Education and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran-Iran (Corresponding Author).

². Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Islamic Education and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran-Iran. r.saeidi@isu.ac.ir



واکاوی جایگاه تاریخی خلیج فارس در روابط ایران و اروپا

محمدامین احمدی^۱

روح‌الامین سعیدی^۲

چکیده

خلیج فارس نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و تحول روابط ایران و اروپا دارد. این منطقه همواره به عنوان مسیر ارتباطی و تجاری میان ایران و قدرت‌های اروپایی بوده و نخستین برخورد‌های تمدنی میان آنها نیز از طریق خلیج فارس رقم خورده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های تاریخی در صدد است تا روند تأثیرگذاری این منطقه بر تعاملات ایران و اروپا را بررسی کند. هدف نویسندگان مقاله بر این است تا با بررسی جایگاه تاریخی خلیج فارس به درک بهتر جایگاه آن در وضعیت کنونی و حتی آتی روابط ایران و اروپا کمک کنند. بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که در طول سالیان مختلف جایگاه و تأثیرات خلیج فارس بر روابط ایران و اروپا به چه نحو بوده و چه سیر تحولی داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در طول تاریخ، خلیج فارس اهمیتی فزاینده در روابط ایران و اروپا داشته است. از نقش آن در رقابت‌های استعماری میان قدرت‌های اروپایی در سده‌های گذشته تا تأثیرگذاری بر سرنوشت جنگ‌های جهانی و تقابل‌های بین‌المللی می‌توان سخن گفت. اما به‌طور خاص اکتشاف نفت در قرن بیستم میلادی، خلیج فارس را به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تعامل یا تقابل میان ایران و اروپا تبدیل کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خلیج فارس به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک در هر دوره تاریخی در روابط ایران و اروپا ایفای نقش کرده و با توجه به مسائل روز جهانی همچنان عامل تعیین‌کننده‌ای در آینده این ارتباطات خواهد بود.

واژگان کلیدی:

ایران، اروپا، خلیج فارس، روابط، واکاوی، جایگاه تاریخی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران-

ایران (نویسنده مسئول) ma.ahmadi@isu.ac.ir

^۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران- ایران r.saeidi@isu.ac.ir



مقدمه

خلیج فارس آبراه هلالی شکل است که در محدوده ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این منطقه در امتداد دریای عمان و به عنوان مرز دریایی ۸ کشور و در قلب منطقه خاورمیانه واقع شده است. خلیج فارس با طول حدود ۹۰۰ کیلومتر، پهنای نزدیک به ۲۴۰ کیلومتر و مساحت حدود ۲۲۳،۰۰۰ کیلومتر مربع پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون، سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می‌رود. زمین‌شناسان معتقدند که خلیج فارس بازمانده یک گودال بزرگ از دوران گذشته زمین‌شناختی است که در طول سال‌ها تبدیل به دریاچه وسیعی شده و سرانجام در اثر فشار ناشی از فعالیت‌های آتشفشانی فلات ایران راه خود را به اقیانوس گشوده است. پایداری فلات عربستان در برابر واکنش‌های تکتونیک^۱ نیز به گسترش پهنای و افزایش ژرفای آن کمک کرده است.

زمین‌شناسان بر این باورند که حدود پانصد هزار سال پیش، نخستین شکل خلیج فارس در کنار دشت‌های جنوبی ایران پدیدار شد و در گذر زمان تحت تأثیر تغییرات درونی و بیرونی زمین به شکل امروزی خود درآمده است. نکته جالب توجه این است که به نظر می‌رسد خلیج فارس در سال‌های نخست شکل‌گیری، عظیم‌تر از محدوده کنونی بوده است؛ به نحوی که بنا بر شواهد بسیار، بخش‌های بزرگی از جلگه خوزستان تا حدود رشته کوه‌های زاگرس، مناطق عظیمی از کویت و عربستان و حتی عراق امروزی زیر آب بوده‌اند (عسکری، ۱۳۸۷: ۴۵) تا جایی که دو رود دجله و فرات جدا از هم به این خلیج وسیع وارد می‌شدند. به نظر می‌رسد که خلیج فارس از دیرباز و بنا بر دلایل متعدد، تأثیرات شگفتی بر زندگی مردم و حکومت‌های منطقه داشته و نموده‌های مصداقی تأثیرات آن بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست کشورهای حاشیه‌ای نمایان است. به عبارت دیگر، خلیج فارس قدیمی‌ترین دریایی است که ملل متمدن در آن به کشتیرانی، تجارت و لشکرکشی پرداخته‌اند (کریمان، ۱۳۹۴: ۱۳۴). با این وجود، شواهد متعدد تاریخی حاکی از آن هستند که آریایی‌ها یکی از اولین اقوامی بودند که از چند هزار سال قبل به سمت این منطقه حرکت کردند و اولین مظاهر کشتیرانی را در آن رقم زدند. اینکه این منطقه به نام خلیج فارس نامیده و شناخته شد، خود گواهی بر این ادعا است که بر اساس شواهد تاریخی متعدد قابل اثبات است. به عنوان

^۱ تکتونیک (Tectonics) یا زمین‌ساخت یکی از شاخه‌های زمین‌شناسی است که به مطالعه تغییر شکل پوسته زمین بر اثر تنش‌ها و کرنش‌های وارده در طول دوران‌های مختلف زمین‌شناسی می‌پردازد.

نمونه در نزدیکی محدوده کانال سوئز، کتیبه‌ای متعلق به ۵۰۰ سال پیش از میلاد یافت شده که نشان می‌دهد داریوش اول از این دریا با عنوان «دریایی که از پارس می‌رود» یاد کرده است. در منابع یونانی نیز از این آبراه با نام‌هایی همچون «پرسیکون کای تاس»، «پرسیکوس سینوس» و «آکواریوم پرسیکوس» یاد شده که همگی به معنای دریای پارس، خلیج فارس و آبگیر پارس هستند. در منابع جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی نیز از این دریا با عناوینی همچون «بحر فارس»، «البحر الفارسی»، «خلیج فارس» و «الخلیج الفارسی» یاد شده است (ثواقب، ۱۳۹۱: ۳). مسئله اصلی مقاله حاضر این است که با اینکه خلیج فارس در ادوار مختلف تاریخی همواره منشاء آثار و اتفاقات متعددی بر ایران و حکومت‌های ایرانی بوده است، اما به نظر می‌رسد که این تأثیرات به ویژه در چند سده اخیر بسیار افزایش یافته و جایگاه خلیج فارس در تعاملات ایران با سایر کشورهای منطقه و جهان به یکی از عناصر محوری این تعاملات تبدیل شده است. همچنین از حدود قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی که مصادف است با اولین رویارویی ایرانیان با تمدن غرب و اروپائیان و به طور دقیق‌تر مصادف است با آغاز کشتیرانی و سفرهای دریایی بین قاره‌ای اروپایی، خلیج فارس بنا بر دلایل نوپدید، نقشی محوری در روابط ایران با اروپائیان ایفاء کرده است؛ جایگاهی که با گذشت زمان و اضافه شدن کارویژه‌های جدید برای خلیج فارس، پررنگ و پررنگ‌تر شده است. هدف مقاله نیز بر این است تا با بیان نقش‌ها و تأثیرات خلیج فارس بر روابط ایران و اروپا در ادوار مختلف، این جایگاه تاریخی را اثبات کند. سؤال اصلی مقاله این است که خلیج فارس چه جایگاه و تأثیری بر روابط ایران و اروپا داشته و این اثر در بازه‌های مختلف زمانی به چه نحو بوده، چه سیری داشته و آیا رو به افزایش است یا کاهش؟ برای پاسخ به این سؤالات، نویسندگان مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرده و کوشیده‌اند تا با استفاده از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های تاریخی به پاسخی جامع و دقیق برسند.

پیشینه پژوهش

مروری بر منابع و پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که مطالعات مرتبط با خلیج فارس عمدتاً در سه دسته قابل طبقه‌بندی هستند. نخست آثاری هستند که به روایت تاریخی رقابت‌ها، تعاملات و تحولات مربوط به حضور و فعالیت بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در خلیج فارس پرداخته‌اند. این گروه از پژوهش‌ها با تمرکز بر بازه‌های زمانی خاص، سعی در ترسیم تصویری تاریخی از نقش بازیگران مختلف در منطقه داشته‌اند. برای نمونه، پژوهش

حمیدرضا آریان فر (۱۴۰۲) با عنوان: "راهبرد تجاری آلمان در خلیج فارس طی دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش.)" به راهبردهای تجاری آلمان در دوره پهلوی اول پرداخته است. مسعود زمانی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان: "روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس"، روابط میان کارگزاران ایرانی و حکومت بریتانیا را تحلیل کرده است. همچنین مرضیه بیگی‌زاده و حمید بصیرت‌منش (۱۳۹۵) در اثر خودشان با عنوان: "چگونگی ظهور و سقوط کشورهای پرتغال، هلند، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس" به چگونگی حضور و افول پرتغال، هلند، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس می‌پردازند. خاطرنشان می‌شود که این سری آثار به دنبال بازگویی و شرح وقایع و سیر تحولات تاریخی هستند.

در گروه دوم، مطالعاتی قرار دارند که به تحلیل اهمیت جغرافیایی، اقتصادی و راهبردی خلیج فارس پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها با تکیه بر مفاهیم جغرافیای سیاسی، سیاست انرژی و کریدورهای ترانزیتی، سعی در تبیین جایگاه خلیج فارس در معادلات قدرت جهانی داشته‌اند. در این میان، سید عباس احمدی و نرجس‌سادات حسینی (۱۴۰۰) در اثری با نام: "رویکرد ژئوپلیتیکی به نقش ایران در منطقه خلیج فارس" از منظر ژئوپلیتیک به نقش ایران در منطقه پرداخته‌اند. همچنین اسماعیل شاهکویی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان: جایگاه و نقش خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی (با تأکید بر قدرت نفت و گاز غرب آسیا)، جایگاه خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی را تحلیل کرده‌اند. به طور کلی این گروه نویسندگان تمرکز علمی خود را بر مباحث اقتصاد سیاسی خلیج فارس متمرکز کرده‌اند.

سومین دسته از مطالعات به سیاست، سیاست‌گذاری و رویکرد قدرت‌های بین‌المللی نسبت به خلیج فارس پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها با تمرکز بر راهبردهای ایالات متحده، بریتانیا، چین و دیگر کشورها تلاش کرده‌اند تا جایگاه خلیج فارس را در معادلات کلان سیاست خارجی تحلیل کنند. تارا جهانگیری (۱۴۰۱) در اثر خود به نام "بررسی جایگاه خلیج فارس در سیاست خارجی منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا با محوریت نقش ایران" به سیاست منطقه‌ای آمریکا پرداخته و قدرت‌الله بهبودی‌نژاد (۱۴۰۱) در مقاله: "خلیج فارس بین استراتژی ایندوپاسیفیک ایالات متحده و ابتکار کمربند و راه چین" به رقابت راهبردی آمریکا و چین در قالب استراتژی ایندوپاسیفیک و ابتکار کمربند و راه اشاره کرده است.

بررسی این منابع نشان می‌دهد که هر یک از آثار پیشین به طور خاص تنها بخشی از مسئله را پوشش داده‌اند. پژوهش‌های تاریخ‌محور، عمدتاً تمرکز خود را بر توصیف وقایع گذشته گذاشته‌اند، در حالی که مطالعات ژئوپلیتیک یا سیاست‌محور نیز هر یک رویکردی

تخصصی و تک‌ساحتی داشته‌اند. نوآوری مقاله حاضر در آن است که با رویکردی ترکیبی و تلفیقی تلاش دارد تا سه جریان اصلی پژوهش‌های گذشته را در یک چارچوب تحلیلی یکپارچه گرد آورده و با نگاهی مبتنی بر دانش روابط بین‌الملل، جایگاه تاریخی و استراتژیک خلیج فارس در روابط ایران و اروپا را بررسی کند. چنین رویکردی امکان تحلیل دقیق‌تری از روندهای گذشته، حال و آینده این روابط را فراهم می‌سازد و به غنای ادبیات موجود کمک می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

تعاملات میان کشورها در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، تحولات تاریخی و رقابت قدرت‌های بزرگ قرار داشته است. در این پژوهش در راستای رسیدن به دیدگاهی جامع از جایگاه خلیج فارس در روابط دو طرف، چارچوب نظری بر اساس ترکیب دو نظریه ژئوپلیتیک کلاسیک^۱ و تاریخ‌گرایی^۲ شکل گرفته است تا جایگاه تاریخی خلیج فارس در روابط ایران و اروپا را مورد بررسی قرار دهد. «ژئوپلیتیک عبارت است از ترکیب جغرافیا، سیاست و قدرت و بر همین اساس، طیف موضوعی مسائل ژئوپلیتیک بسیار گسترده است» (زارعی و موسوی، ۱۴۰۰: ۸۵۲). خلیج فارس به دلیل موقعیت راهبردی و منابع غنی، همواره در رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نقش کلیدی داشته است. به بیان دیگر، ژئوپلیتیک خلیج فارس سبب شده تا روابط ایران و اروپا در طول تاریخ تحت تأثیر مصادیق مختلفی از نقش ژئوپلیتیک خلیج فارس قرار گیرد. کنترل مسیرهای تجاری، مسائل انرژی و رقابت قدرت‌های استعماری از موارد پرشمار این نقش هستند. در واقع، موقعیت جغرافیایی خلیج فارس آن را به نقطه ارتباط بین شرق و غرب عالم و سه قاره اروپا، آفریقا و جنوب شرق آسیا در آورده است (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). این موقعیت جغرافیایی برجسته، اولین دلیل اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس است که از دیرباز مورد توجه بوده است و همین مهم ایران و خلیج فارس را به قلب محورهای تجاری جهان قدیم تبدیل می‌کرده است. تجار و بازرگانان اقلام تجاری را از شرق عالم خریداری کرده و از طریق ایران به صورت زمینی و یا از طریق خلیج فارس در یک محور تجاری دریایی وسیع به اروپا و آفریقا منتقل می‌کرده‌اند (طائر، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

یکی از ابزارهای افزایش وزن ژئوپلیتیک، برخورداری از موقعیت دریایی است. با این وجود، «خلیج فارس در نظریه‌های ژئوپلیتیک گذشته، جزء سرزمین‌های حاشیه به شمار

^۱. Classical Geopolitic Theory

^۲. Historicism

می‌رفت. اما در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیک نقشی بی‌بدیل یافته است» (احمدی و حسینی، ۱۴۰۰: ۲). به نظر می‌رسد که بر اساس بسیاری از نظریات شاخص و جدیدتر ژئوپلیتیک از جمله نظریات «هارتلند و ریملند»، «بیضی استراتژیک انرژی»، «ژئواکونومی» و «منظومه‌های قدرت»، خلیج فارس دارای موقعیتی برجسته است؛ نکته‌ای که تمام این نظریات و نویسندگان، این مهم را تأیید می‌کنند. به عنوان مثال، نظریه هارتلند که در سال ۱۹۰۴م. توسط هالفورد مکیندر^۱ ارائه شد، خلیج فارس را به مثابه محور یا قلب زمین نام برده است (ثواب، ۱۳۹۱: ۵). به طور خلاصه باید گفت که «وزن ژئوپلیتیک رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیک یک منطقه در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. پس هر چقدر وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار هم بیشتر می‌شود» (احمدی و حسینی، ۱۳۹۸: ۳). علت وزن بالای خلیج فارس نیز ناشی از همین موقعیت استراتژیک و جایگاه گلوگاهی است. در بخش‌های بعدی، سیر روند افزایش این وزن ژئوپلیتیک را در طول چند دهه نشان خواهیم داد و علل آن را تشریح خواهیم کرد.

وجه دوم چارچوب نظری استفاده شده در مقاله را تاریخ‌گرایی تشکیل می‌دهد. رویکرد تاریخ‌محور در روابط بین‌الملل بر این اصل استوار است که هیچیک از پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی آن تحلیل کرد. این رویکرد، روابط میان دولت‌ها، رقابت‌های ژئوپلیتیک، شکل‌گیری اتحادها و حتی تعارضات بین‌المللی را به‌عنوان بخشی از یک فرایند تاریخی بررسی می‌کند که در طول زمان تحول یافته است (Rahimi and Yazdanpanah, 2024: 162). مبتنی بر این نظریه، رویدادها، تأثیرات و نقش‌های کنونی، محصول فرایندهای بلندمدت تاریخی هستند و تغییرات روابط بین‌الملل باید در بستر تحولات گذشته مورد مطالعه قرار گیرند. یکی از مفاهیم کلیدی در رویکرد تاریخ‌محور، الگوهای تکرارشونده در سیاست جهانی است. این الگوها نشان می‌دهند که گرچه شرایط زمانی و بازیگران سیاسی تغییر می‌کنند، اما ساختارهای کلان سیاست بین‌الملل اغلب روندهای مشابه و مداوم را تجربه می‌کنند. این روندها ممکن است شامل رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر مناطق استراتژیک، شکل‌گیری اتحادها و درگیری‌های ژئوپلیتیک و تأثیر تحولات اقتصادی بر روابط دیپلماتیک باشند. در مجموع با تکیه بر رویکرد تاریخ‌محور، این پژوهش نشان خواهد داد که خلیج فارس همواره یک متغیر کلیدی در روابط ایران و اروپا بوده است. هر چند که شرایط جهانی، ساختارهای قدرت و بازیگران بین‌المللی

¹. Halford John Mackinder

تغییر کرده‌اند، اما تأثیرات جغرافیائی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی خلیج فارس بر روابط ایران و اروپا همچنان تداوم دارد.

خلیج فارس و آغاز تعاملات ایران و اروپا

خلیج فارس از ابتداء در جایگاه یکی از قطعات مهم پازل تجارت جهانی تعریف می‌شد. بازرگانان ایرانی از بنادر خلیج فارس عزیمت خود به اقصی نقاط عالم را آغاز کردند و در جای جای جهان قدیم به تجارت و مراودات تجاری پرداختند. این تجار از بنادر چین گرفته تا بنادر شاخ آفریقا فعالیت می‌کردند و با توجه به رفتار شایسته‌ای که از خود نشان می‌دادند، به شدت محبوب می‌شدند. گواه این ادعا خاطره بسیار خوب کشورهای شاخ آفریقا از "شیرازی"هایی است که حدود چند صد سال پیش وارد آفریقا شدند. اما با آغاز عصر اکتشافات دریایی از سوی اروپائیان و به دنبال آن ورود کشورهای اروپایی به آب‌های منطقه، روابط نوین سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی با ایران آغاز شد (طرفداری، ۱۳۸۷: ۴۹). این دوران که مقارن با حکومت صفویان در ایران بود، سرآغاز حضور و فعالیت حکومت‌های اروپایی در منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود. البته سابقه حضور و رفت‌وآمد تجار و کسبه و حتی سفرنامه‌نویسان کشورهای قاره اروپا به این منطقه و خلیج فارس به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. اما نکته اینجاست که در این دوران بود که اولین حضورهای حکومتی، نظامی و استعماری اروپا آغاز شد. به عنوان مثال در دوره پارت‌ها، قرار گرفتن ایران در مسیر بازرگانی تجار روم و چین سبب شده بود تا تجار روم ناگزیر از ایران بگذرند و کشورمان در مبادلات فرهنگی و تجاری نقشی مهم ایفاء کند. ری، همدان و شاهرود از جمله شهرهایی بودند که در آن دوران، بازرگانان روم از آن عبور می‌کردند.

معدودی از پژوهشگران، خام‌اندیشانه ورود اروپائیان از طریق آب‌های خلیج فارس را در گروهی فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح و امپراتوری عثمانی می‌دانند و معتقدند بسته شدن راه زمینی بود که سبب شد اروپائیان به دنبال مسیر جدیدی برای رسیدن به کالاهای تجاری شرقی برآیند. اما واقعیت این است که وقتی به گزارش‌های تاریخی می‌نگریم، می‌بینیم که این مسافران و در اصل مهاجمان، نه تنها با انگیزه‌های نظامی و سیاسی به منطقه وارد می‌شدند که حتی خود را وارثین جنگجویان صلیبی می‌پنداشتند و از انگیزه‌های مذهبی نیز بی‌بهره نبودند (طرفداری، ۱۳۸۷: ۶۳)؛ البته ساخته شدن انبوه افسانه‌ها و روایت‌ها از گنجینه‌های فراوان هند و شرق عالم هم به این افراد انگیزه‌ای مضاعف

می‌داد. پرتغالی‌ها زودتر از سایر کشورهای اروپایی به منطقه خلیج فارس وارد شدند و روابط سیاسی و تجاری جدیدی را با کشورهای منطقه شروع کردند. پای پرتغالی‌ها در دهه نخست قرن دهم هجری قمری به هند و سپس به خلیج فارس باز شد (بیگی‌زاده و بصیرت‌منش، ۱۳۹۵: ۶۴).

با شکست‌های اولیه دریانوردان پرتغالی از مسلمانان، برای مدت کوتاهی توجه آنها به محورهای اقتصادی و تجاری محدود شد. به این منظور آنها تجارت گسترده‌ای را از هند به کشورهای اروپایی آغاز کردند، اما سودهای انبوه حاصل از تجارت با هند و شرق سبب شد که حکومت پرتغال سرمایه‌گذاری سنگینی بر کشتی‌های تجاری به عمل آورد و به این ترتیب با گذشت سالیان محدودی، پرتغالی‌ها با کشتی‌های بزرگتر و مجهز به انواع سلاح و توپ به آب‌های گرم اقیانوس هند و دریای عمان وارد شدند. تصمیم پرتغالی‌ها برای استقرار در یک موقعیت استراتژیک توجه آنها به تنگه هرمز را جلب کرد و به این ترتیب بود که پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۶م. به فرماندهی دریادار آلفونس آل‌بوکرک^۱ و با ناوگانی مرکب از چهارده کشتی جنگی به منطقه هرمز ایران حمله کردند و با اشغال این منطقه نام آن را به گمبرون تغییر دادند (قائدان، ۱۳۹۲: ۴). کینه هزار ساله پرتغالی‌ها از حضور مسلمانان در منطقه آندلس سبب شده بود تا از هیچ قتل و غارتی نسبت به مسلمانان اجتناب نکنند. البته نکته شایان ذکر این است که بندر گمبرون به دلیل جایگاه ویژه ژئوپلیتیک آن و نزدیکی به هند، توجه پرتغالی‌ها را جلب کرد و در ابتدا هند هدف مراودات تجاری و استعماری بود و ایران مدنظر مهاجمین نبود. اما به هر جهت ورود پرتغالی‌ها به خاک ایران، اولین ارتباطات سیاسی ایران و اروپای نوین را رقم زد. حضور پرتغالی‌ها برای حدود یکصد سال در این بندر ادامه یافت و در مقطع تاریخی فوق یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی فکر و ذهن ایرانیان بود. ایرانیان در این سال‌ها از هیچ رشادتی برای بازپس‌گیری جنوب کشور دریغ نورزیدند، اما برتری محسوس پرتغالی‌ها در برخورداری از تجهیزات و سخت‌افزار سبب شده بود که این رشادتها به آزادی مناطق اشغالی منتهی نشوند. سرانجام با روی کار آمدن شاه عباس صفوی و تقویت ارتباطات ایران با سایر کشورهای اروپایی، زمینه‌های شکست پرتغالی‌ها فراهم شد. در واقع کمک‌های تسلیحاتی قابل توجه انگلستان به ایران، آن هم از طریق کمپانی هند شرقی و ذکاوت شاه عباس صفوی و سلحشوری سپاه ایران، شکست پرتغالی‌ها از بندر گمبرون و سایر جزایر اشغالی را بعد از حدود یکصد سال رقم زد (عسکری، ۱۳۸۷:

^۱. Afonso de Albuquerque

(۴۷). البته پرتغالی‌ها به مسقط عقب‌نشینی کردند و در چند نوبت به بندر گمبرون حمله کردند که در همه این نبردها با رشادت نیروهای ایرانی و با کمک توپ‌های انگلیسی، توفیقی به دست نیاوردند. شاه عباس پس از ختم قائله پرتغالی‌ها و قطعی شدن شکست‌شان، نام آن بندر را به بندرعباس تغییر داد.

خلیج فارس در دوران پیشا اکتشاف نفت

پرتغال تنها کشور وارد شده به خلیج فارس نبود و «پس از پرتغالی‌ها، پای اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها نیز به این منطقه باز شد. انگلیسی‌ها از قرن هفدهم میلادی وارد خلیج فارس شدند و از همان ابتدا به اهمیت و موقعیت آن پی برده و شروع به تلاش برای کسب قدرت در آنجا نمودند» (زمانی، ۱۳۸۹: ۷۰). ورود و حضور و البته رقابت شدید انگلیس و هلند در خلیج فارس در این دوره سبب شد تا نادر شاه افشار برای اولین بار خط تولید ملی ناوگان دریایی ایران را کلید زند که نهایتاً به ساخت سه فروند کشتی پانصد تنی در کارخانه کشتی‌سازی بوشهر منجر شد (عسکری، ۱۳۸۷: ۴۷). با زوال حکومت افشاریه و زوال تدریجی قدرت حکومت مرکزی در ایران و البته هم‌زمانی این اتفاق با انقلاب صنعتی در انگلستان، رفته رفته نفوذ انگلستان در مناطق تحت تسلط افزایش یافت و سایر رقبا را کنار زد. یکی از مناطقی که انگلستان به آن توجه ویژه‌ای داشت، خلیج فارس بود که از هیچ کوششی در جهت افزایش نفوذ خود در آن دریغ نمی‌کرد. در این رابطه لرد کرزن^۱ نائب‌السلطنه انگلستان در جمله‌ای تاریخی گفته بود که واگذاری و دادن حتی یک جزیره خلیج فارس به سایر رقبا خیانتی نابخشودنی به انگلستان است (دهقانیان و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۸). انگلستان در این دوره حتی از طوایف و قبایل عرب جنوب ایران همچون بنی‌کعب، قواسم و خوارج نیز حمایت می‌کرد تا بر علیه حکومت مرکزی بشورند و تمرکز حکومت مرکزی را از مناطق تحت نفوذ انگلیس منحرف کنند. علت تلاش همه‌جانبه انگلیس برای حفظ خلیج فارس در این دوره، صرفاً به عواید حاصل از قرار گرفتن در شاهراه جاده ابریشم و ادویه منحصر نبود. انگلیسی‌ها با کنترل خلیج فارس، زمینه دسترسی به تعداد بسیاری از کشورهای حاشیه آن را داشتند و به این شکل با کنترل شاهراه می‌توانستند از کشورهای هدف امتیاز بگیرند. افزون بر آن، حراست و حفاظت از مستعمره هند نیز برای انگلیس به قدری حیاتی بود که سعی داشت با استقرار در خلیج فارس حائل را میان

^۱. Lord George Nathaniel Curzon

هندوستان و رقبایی همچون روس و فرانسه ناپلئونی ایجاد کند (صاحبی، ۱۳۹۱: ۴۲۵). به تدریج که زمامداران ایران از ظهور ناپلئون بناپارت و فتوحات وی در اروپا در نبرد با روس‌ها و انگلیسی‌ها و اتریشی‌ها آگاه شدند، توجه‌شان به اتحاد با فرانسه معطوف گردید. این دوره، سرآغاز وجه جدیدی از روابط ایران با یک بازیگر جدید اروپایی به نام فرانسه بود که به توافقات و اتفاقات فراوانی میان دو کشور منجر شد؛ اما از آنجایی که خلیج فارس در این سال‌ها در انحصار انگلیس باقی ماند و فرانسه و سایر رقبا از آبراه خلیج فارس وارد تعامل و ارتباط با ایران نشدند، از ذکر توضیحات بیشتر روابط این کشورها با ایران در این دوره اجتناب می‌شود.

انگلستان به همین مقدار نیز اکتفاء نکرد و کوشید با جدا کردن سرزمین‌های شرقی ایران، حائل بین‌المللی میان هند و سایر رقبا ایجاد کند. علاوه بر این، انگلستان در این مقطع در صدد بود تا با ایجاد اختلافات داخلی میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، زمینه استمرار حضور خود در خلیج فارس را برقرار سازد. مهم‌ترین اختلافاتی که انگلستان در این دوره شایع کرد، طرح دعاوی خلیج فارسی/عربی و اختلافات در حاکمیت کشورها بر سر جزایر خلیج فارس بود (زمانی، ۱۳۸۹: ۷۲). گزارش‌های تاریخی متعدد حاکی از آن است که انگلستان در این دوره با تشویق احساسات ناسیونالیستی در میان اعراب، زمینه‌های مصداقی آن را نیز ایجاد کرد. شاید مهم‌ترین آنها ایجاد بستر اختلاف در امپراتوری عثمانی و به زوال کشاندن آن بود؛ با این حال، طرح اختلاف بر سر نام خلیج فارس نیز از تفرقه‌هایی بود که انگلستان بنا نهاد. انگلستان در این دوره با چرخشی ناگهانی و بدون اعلام دلیل، شروع به ترویج نام خلیج عربی در نشریات، روزنامه‌ها و رسانه‌های خود کرد (ثواب، ۱۳۹۱: ۱۰).

با شکل‌گیری مفهوم خاورمیانه در نقشه‌های معاصر جهان، بار دیگر اهمیت خلیج فارس خود را نمایان ساخت. خلیج فارس در قلب این جغرافیا قرار داشت و تسلط و حضور در خلیج فارس، امکان دسترسی سریع قدرت‌های اروپایی را به تمام کشورهای این جغرافیا میسر می‌ساخت. اهمیت دیگری که خلیج فارس از این دوره پیدا کرد، کنشگری در دولت-ملت‌های تازه‌پدید جهان اسلام بود. نکته بسیار مهم این است که خلیج فارس در قلب تمدن اسلامی قرار دارد و فاصله خلیج فارس از کرانه‌های شرقی و غربی جهان اسلام تقریباً به یک اندازه است (زارعی و موسوی، ۱۴۰۰: ۸۶۲). خلیج فارس به اروپائیان فرصت می‌داد تا خود را بدون واسطه و به سهولت به قلب جهان اسلام برسانند و از اینجا در روابط میان دولت‌های

تازه تأسیس امپراتوری عثمانی اعمال نفوذ کنند و در مسائل ایدئولوژیک و دینی جهان اسلام تأثیرگذاری داشته باشند.

خلیج فارس در دوران پسا اکتشاف نفت

با اکتشاف نفت و فوران نفت از دل چاه‌های نفت حاشیه خلیج فارس، عامل اهمیت‌بخش دیگری به خلیج فارس اضافه شد. خیلی زود نفت وارد مناسبات سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی جهان گردید و جایگاه ویژه‌ای برای قدرت‌های بین‌المللی پیدا کرد. امروزه اثبات شده که کشورهای منطقه خلیج فارس در مجموع ۵. ۶۱ درصد از ذخایر شناخته‌شده نفت جهان و ۴۰ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز جهان را در اختیار دارند. ایران اما در این میان، با برخورداری از ۵. ۱۵ درصد از ذخایر جهانی گاز و ۵. ۱۱ درصد از ذخایر جهانی نفت یکی از مهمترین کشورهای این حوزه است (شاهکویی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶). عامل نفت باعث شد تا بار دیگر وزنه دیگری به دلایل اهمیت خلیج فارس اضافه شود و همین مهم سبب شد تا باز هم خلیج فارس به کانون و محور تعامل ایران و اروپا تبدیل شود. امتیاز داری به عنوان اولین معاهده نفتی ایران با کوشش سفیر انگلستان بین طرف ایرانی و اروپایی بسته شد (میرترابی، ۱۳۹۳: ۵۸)؛ امتیازی که در ابتدا ناامیدکننده بود و تنها زمانی که همگان از وجود نفت در ایران دلسرد شده بودند، اولین چاه‌های نفتی در مسجد سلیمان فواره زدند. تا سال‌های طولانی کشورهای اروپایی یک طرف از معادله نفت ایران را تشکیل می‌دادند، به نحوی که با انقضای معاهده قبلی، قراردادهای جدیدی را تنظیم می‌کردند و بدین شکل تا سال‌ها نفت ایران زیر نظر شرکت‌های اروپایی اداره می‌شد. این نفت از میادین نفتی استخراج می‌شد و با کمک لوله به خلیج فارس منتقل می‌شد و آنجا با نفتکش شرکت‌های اروپایی به اقصی نقاط عالم انتقال می‌یافت. بر پایه قلم بسیاری از نویسندگان، آبادان در این سال‌ها با توجه به مقادیر بسیار بالای تولید و عرضه محصولات نفتی، یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان بود.

اما اهمیت نفت ایران و انتقال آسان آن از خلیج فارس، تنها برای شرکت‌های نفتی اروپایی عواید مادی نداشت، بلکه با نگاهی اجمالی به تاریخ می‌بینیم که نفت ایران سرنوشت این کشورها و سرنوشت جهان را در مقاطع متعددی رقم زده است (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۴۹). در هر دو جنگ جهانی اول و دوم، نفت ایران نقشی حیاتی در تأمین انرژی مورد نیاز قدرت‌های درگیر، به ویژه بریتانیا ایفاء کرد. این مسئله باعث شد که خلیج فارس و ایران به رغم تلاش برای بی‌طرفی، به یکی از اهداف استراتژیک جنگ تبدیل شود (سرحدی، ۱۴۰۰). در اوایل

قرن بیستم میلادی، انگلستان سیاست تغییر سوخت کشتی‌های جنگی خود از زغال‌سنگ به نفت را در پیش گرفت. این تصمیم باعث شد که شرکت نفت ایران و انگلیس^۱ که در سال ۱۹۰۸ م. تأسیس شده بود، اهمیت استراتژیک پیدا کند. در کوران جنگ جهانی اول، نیروی دریایی بریتانیا وابستگی شدیدی به نفت ایران داشت، به طوری که وینستون چرچیل^۲ وزیر نیروی دریایی وقت، از راهبردهای مختلفی برای حفظ پایدار جریان نفت ایران استفاده کرد. جالب اینجاست که اهمیت خلیج فارس و نفت آن به چشم طرف‌های بازنده جنگ بزرگ^۳ نیز آمده بود. آلمان مهم‌ترین کشوری بود که در حد فاصل دو جنگ تلاش کرد به ایران نزدیک شود تا از جایگاه استراتژیک ایران و خلیج فارس در موقع لزوم استفاده کند و از نفت خلیج فارس بهره‌مند شود (آریانفر، ۱۴۰۲: ۱۲۳). شروع جنگ جهانی دوم و نزدیک شدن آلمان به ایران برای نیروهای متفق خطری جدی تلقی شد. در واقع، اهمیت نفت ایران به حدی بود که علی‌رغم اعلام بی‌طرفی، کشور در سال ۱۹۴۱ م. توسط نیروهای بریتانیا از جنوب و نیروهای شوروی از شمال اشغال شد. یکی از مهم‌ترین اهداف متفقین در اشغال ایران، تضمین جریان پایدار نفت به جبهه‌های جنگ و جلوگیری از هر گونه نفوذ آلمان نازی به مناطق دارای ذخایر نفتی بود. پس از اشغال کشور، رضا شاه مجبور به کنارگیری شد و محمدرضا شاه به سلطنت رسید. متفقین کنترل کامل پالایشگاه‌های نفتی را در دست گرفتند و از ایران به‌عنوان مسیر حیاتی ارسال تجهیزات و سوخت به شوروی استفاده کردند؛ مسیری که بعدها به «پل پیروزی» معروف شد (سعیدی‌نیا و ملکی، ۱۳۹۵: ۷۴).

اشغال ایران و بهره‌برداری از منابع نفتی آن پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای داشت. مردم ایران شاهد بودند که منابع نفتی کشورشان بدون موافقت دولت، مستقیماً در اختیار نیروهای خارجی قرار گرفته است. این مسئله احساسات ملی‌گرایانه را در کشور تقویت کرد و زمینه‌ای برای شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه و ضد استعماری فراهم آورد. از قضا در طول سالیان متمادی، این ناراحتی عمومی خود را در قالب چند ده اعتراض و تجمع نشان داده بود. با تشدید این اعتراضات مجلس تصویب نمود که دولت اجازه اعطای امتیاز به هیچ‌یک از دول بیگانه را ندارد و مجازات سنگینی را برای تخلف از این امر اعلام نمود. این اتفاق آغاز یک تحول جدید در اقتصاد ایران بود که به ملی شدن صنعت نفت ایران

^۱. Anglo-Persian Oil Company

^۲. Winston Churchill

^۳. The Great War: نامی که تا پیش از شروع جنگ جهانی دوم به جنگ جهانی اول اطلاق می‌شد.

انجامید (سایت مرکز اسناد نفت، ۱۳۹۴)؛ اتفاقی که تا سالیان طولانی متعاقب آن، مسیر روابط ایران و اروپا را تعیین کرد.

با ملی شدن نفت ایران، انگلستان ناگهان دست خود را از منابع عظیم نفتی ایران کوتاه‌شده دید. همین امر سبب شد تا انگلستان تمام تلاش خود را برای شکست نهضت ملی شدن نفت به کار گیرد. انگلستان علاوه بر فعال کردن نیروهای خود در داخل کشور، کشتی‌های نظامی خود را در تنگه هرمز مستقر کرد و به این شکل راه را برای عبور نفتکش‌های ایرانی بست. علت هم واضح بود؛ در آن زمان، تنگه هرمز با عرض حدود ۳۰ مایل (۴۸ کیلومتر) و عمق ۲۳۵ فوت (۷۲ متر) تنها دروازه‌ای بود که نفت خلیج فارس را به جهان متصل می‌کرد (Mousavi Jashni, 2013: 175). انگلستان با استقرار ناوگان نظامی در این تنگه، زمینه فشارهای اقتصادی را در داخل ایران افزایش داد و نهایتاً در یک کودتای چندوجهی و پیچیده دولت ملی را سرنگون ساخت (میرترابی، ۱۳۹۳: ۸۸). افزایش تعداد کمونیست‌ها در سال‌های پایانی دولت مصدق و فعالیت‌های رسمی حزب توده در ایران سبب شده بود تا انگلیس بکوشد در سال‌های بعدی نفوذ خود در خلیج فارس را حفظ کند. «قصد این کشور علاوه بر برقراری رابطه بین خلیج فارس و دریای خزر و مسائل مهم و حساس نفت، کمونیسم و آینده ایران را نیز شامل می‌شد» (سرحدی، ۱۴۰۰). البته ناگفته نماند که انگلیس در این دوره گذار پس از جنگ جهانی دوم با انبوه هزینه‌ها روبرو بود و این هزینه‌کردهای سنگین در اقصی نقاط عالم، این کشور را از نفس انداخته بود.

حقیقت این است که جنگ جهانی دوم، اروپائیان را با هزینه‌های سنگین بازسازی ناشی از جنگ روبرو ساخت؛ اما این هزینه‌های سنگین، زمانی قدرت‌های اروپایی را دچار چالش کرد که این اتفاق هم‌زمان شد با شروع موج ملی‌گرایی در کشورهای تحت قیمومت و تحت استعمار قدرت‌های اروپایی؛ روندی که تقریباً به طور هم‌زمان در جنوب آسیا، غرب آسیا و قاره آفریقا آغاز شد (جهانگیری، ۱۴۰۱: ۱۲۲). انگلستان به عنوان کشوری که مستعمرات فراوانی در اقصی نقاط عالم داشت، افزون بر هزینه‌های سنگین مالی، هزینه‌های نظامی و جانی، انواع و اقسام شورش‌ها و جنبش‌ها را باید متحمل می‌شد. حد فاصل پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۶۸ م. هزینه‌های سنگین حضور استعماری بریتانیا سرانجام حاکمان این کشور را به تصمیم سرنوشت‌سازی رسانید. آنها در سال ۱۹۶۸ م. اعلام کردند که تا پایان سال ۱۹۷۱ م. از خلیج فارس و کشورهای این منطقه خارج خواهند شد (چهرآز ابوالحسنی و خیراندیش، ۱۳۹۵: ۴۵). فرانسه نیز به سرنوشتی مشابه دچار شد و لاجرم

مجبور شد یک‌به‌یک از کشورهایی که به نوبت به استقلال می‌رسیدند، خارج شود. این سال‌ها بازه زمانی محدودی بود که در آن، کشورهای اروپایی بعد از حدود چهار قرن، از حضور رسمی در خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن منصرف شدند؛ اتفاقی که با جایگزینی آمریکا به جای این قدرت‌ها در منطقه غرب آسیا تداوم یافت، البته آمریکایی‌ها از تجربه اروپا در خلیج فارس درس بسیار گرفتند. نیکسون^۱ رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۶۹م. طرحی داد که در آن، ایران به عنوان حافظ امنیت منطقه و عربستان در حکم قائم‌مقام عمل کنند؛ طرحی که بعدها به دکترین دو ستونه نیکسون مشهور شد. آنها به جای حضور مستقیم در خلیج فارس سعی کردند دو کشور مهم شمال و جنوب خلیج فارس را با خود همراه کنند تا بتوانند کل منطقه را به این شکل کنترل کنند. اروپا که در این سال‌ها خسته از دو جنگ خونبار و با خسارت‌های عظیم ناشی از آن به سمت همگرایی و تقویت صلح در میان کشورهای خود حرکت کرده بود، خیلی زود به عرصه سیاستگذاری‌های فرامنطقه‌ای در مناطقی همچون خلیج فارس بازگشت (کریمی، ۱۴۰۰: ۳۹)؛ رویدادی که این بار در قالب هویت جدیدی به نام اتحادیه اروپا متجلی می‌شد.

خلیج فارس در دوران معاصر

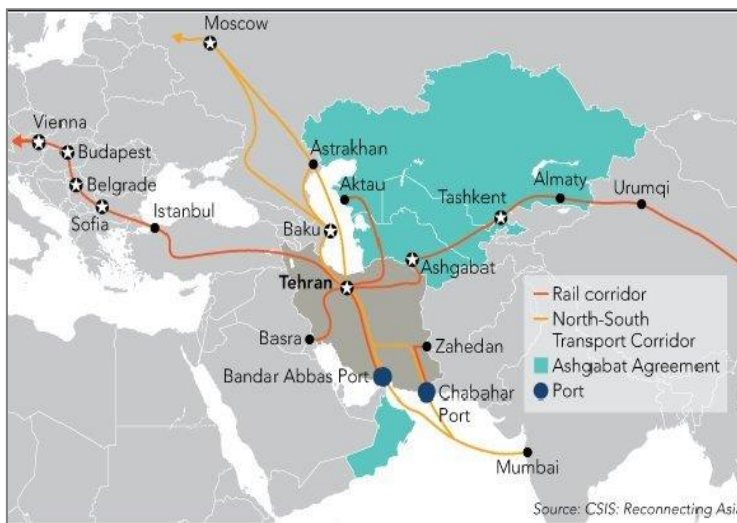
موقعیت جغرافیائی بی‌نظیر خلیج فارس و مجاورت با نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا سبب شده که از دیرباز خلیج فارس در کانون توجهات تجار و بازرگانان قرار گیرد. پیش‌تر اشاره شد که این منطقه به عنوان مرکز شاهراه تجارت جهان و کانون مسیرهای تجاری دیرینه‌ای همچون جاده ابریشم و جاده ادویه، چه جایگاهی در جهان قدیم داشته است. به نظر می‌رسد که این جایگاه در دوره معاصر مجدداً در کانون توجهات قرار گرفته است، چرا که کشف تکنولوژی‌های تازه حفاری، منافع نفتی جدیدی همچون نفت شیل و یا اکتشاف میادین نفتی جدید در مناطق مختلف جهان، سبب شده تا دیگر انحصار نفتی خلیج فارس تمام شود. این انحصار تا چند دهه قبل به نحوی بود که بسته شدن شیرفلکه‌های نفتی خلیج فارس حتی در کوتاه مدت، جهان را با بحران‌های نفتی متعدد روبرو می‌کرد. البته خلیج فارس در حوزه تأمین انرژی همچنان از جایگاه بی‌نظیری برخوردار است و بر مبنای آمار سال‌های گذشته، روزانه تا حدود ۲۶/۸۷۲/۰۰۰ بشکه نفت در این حوزه نفتی تولید می‌شد که ۳۰.۹ درصد از نیازهای انرژی کل جهان (۸۶/۹۴۴/۰۰۰ بشکه در روز) را

^۱. Richard Milhous Nixon

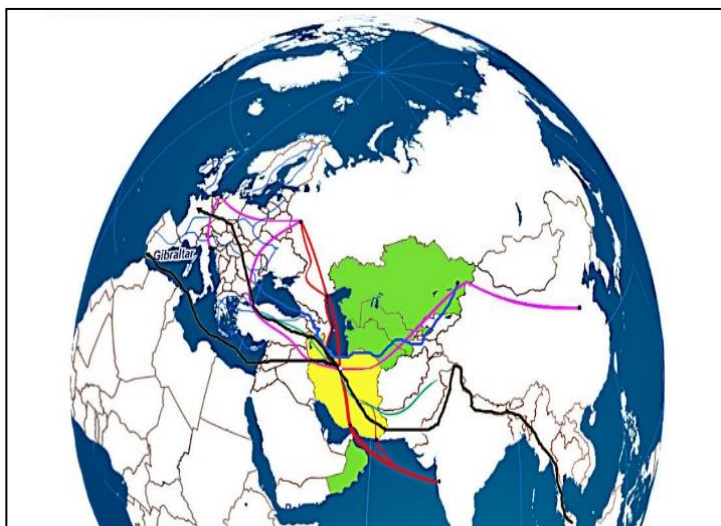
تشکیل می‌داده است (Mousavi Jashni, 2013: 156)؛ عددی که بر اساس آمار جدیدتر افزایش هم داشته و به زعم بسیاری از کارشناسان این افزایش ادامه خواهد داشت. اما مسئله مهم‌تر این است که دیگر این جایگاه در انحصار خلیج فارس نیست و همین حجم عظیم فروش نفت فعلی هم امکان جایگزینی دارد.

به نظر می‌رسد با کاهش اهمیت نفتی خلیج فارس نسبت به آن سال‌ها و نیز گذار جهانی کشورها به سمت مسائل دیپلماسی اقتصادی و مراودات تجاری متقابل، بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیک در جهان رونق یافته است (محمدپور و بویه، ۱۴۰۱: ۱۲۱-۱۲۰). افزایش ادبیات نظری تولیدشده در حوزه کریدورها و نیز درهم‌تنیدگی اقتصادی کشورها شاهی بر این ادعا است. منطقه غرب آسیا و خلیج فارس به عنوان یکی از شاهراه‌های مواصلاتی تعداد کثیری از این کریدورهای تجاری مهم جهان قرار دارد که همین مسئله سبب شده تا بار دیگر ژئوپلیتیک ایران و خلیج فارس و ظرفیت ژئواکونومیک این منطقه به عنوان یکی از عناصر تعامل ایران با سایر کشورها قرار گیرد (شجاعی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). همانطور که نورعلی و احمدی به درستی اشاره کرده و می‌نویسند: «ایران، اتصال‌دهنده هند و روسیه از طریق کریدور شمال- جنوب، اتصال‌دهنده آسیا- اروپا از طریق کریدور شرق- غرب یا جاده ابریشم نوین، پیونددهنده آسیای مرکزی- قفقاز- ترکیه- اروپای غربی از طریق کریدور تراسیکا، پیونددهنده جنوب‌شرقی آسیا به شمال غربی اروپا در کریدور جنوبی آسیا، پیونددهنده اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو و همچنین پیونددهنده کشورهای آسیای مرکزی به دریاها و آزاد و خلیج فارس در توافقنامه عشق‌آباد محسوب می‌شود» (نورعلی و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

واقعیت این است که بخش غربی منطقه غرب آسیا و حد فاصل حوزه خلیج فارس تا مدیترانه به دلیل موقعیت ویژه خود به عنوان نقطه اتصال شرق به غرب دارای قابلیت‌های ترانزیتی و کریدوری فوق‌العاده‌ای است؛ «مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس به منزله هارتلند جهانی قرار دارد» (محمدپور و بویه، ۱۴۰۱: ۱۲۰). همانطور که مشخص است، یک سر بسیاری از محورهای تجاری فعلی و خیل بسیاری از طرح‌های کریدوری در دست اجراء به اروپا ختم می‌شود که با توجه به نقش آفرینی خلیج فارس به عنوان وجه اتصال محور دریا به خشکی، به نظر باز هم تعامل ایران و اروپا به عامل خلیج فارس گره می‌خورد.



تصویر ۱: کریدورهای عبوری از ایران و خلیج فارس
Dadparvar & Kaleji, The Chabahar Transit Project: Transition from Geo-Politics to Geo-Economics: 2024



تصویر ۲: موقعیت بی نظیر ایران در مسیر کریدورهای جهانی
منبع: نورعلی و احمدی، مقاله: واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل «ایران، هارتلند کریدوری جهان»، ۱۴۰۱

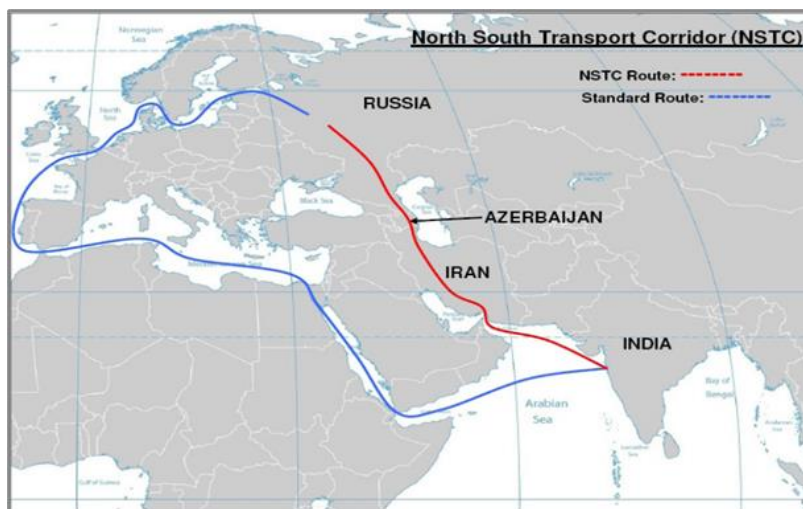
جایگاه خلیج فارس به عنوان یکی از قطعات اصلی کریدورهای جهانی سبب شده تا نه تنها مسئله امنیت در خلیج فارس به یک مسئله جهانی تبدیل شود، بلکه به محور منازعات قدرت‌های جهانی برای پیاده کردن طرح‌های کریدوری خود در این منطقه نیز تبدیل شود. به عنوان مثال، چین در سال‌های گذشته طرح «یک کمر بند، یک راه» را مطرح کرده که احتمالاً یکی از قطعات اصلی این کمر بند، منطقه غرب آسیا با نقش‌آفرینی ایران و کنشگری آبی-خاکی‌اش خواهد بود. از این جهت، چین در تلاش است تا بتواند با تقویت ارتباطات خود با کشورهای منطقه، زمینه نفوذ خود را فراهم کند و سرانجام ایده اصلی خودش را محقق سازد. در برابر، ایالات متحده که به خوبی از خطرات این افزایش نفوذ آگاه است و عواید سرشار حاصل از این طرح را می‌داند، در صدد است تا با مانع‌زایی از حرکت کشورهای غرب آسیا به سمت چین جلوگیری کند. از این منظر، ایالات متحده طرح ایندو-پاسیفیک^۱ را مطرح کرده تا جلوی نفوذ چین به مناطق غربی آسیا را بگیرد (بهبودی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۵۱). ایالات متحده همچنین ائتلاف گفتگوهای امنیتی چهارجانبه موسوم به "کواد"^۲ را ایجاد کرد تا بتواند با همراه کردن کشورهای آسیایی با خود، چین را محاصره کرده و به نوعی مهار کند. ایالات متحده به دنبال این است تا بدین شکل جاه‌طلبی‌های چین را در همان منطقه خودش محدود کند و اجازه نفوذ چین به خاورمیانه را ندهد.

در مثال دیگر می‌توانیم به شکل‌گیری کریدور شمال-جنوب اشاره کنیم. این کریدور یک شبکه چندوجهی دریایی، ریلی و جاده‌ای به طول ۷۲۰۰ کیلومتر است که می‌تواند بار را از بمبئی در هند تا هلسینکی در فنلاند حمل کند. مزیت شگفت‌آور این مسیر در مقایسه با مسیرهای سنتی در این است که از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاهتر است و می‌تواند سبب کاهش ۳۰ درصدی هزینه شود (محبوبی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۰۹). همین صرفه‌جویی شگفت‌انگیز زمانی و مالی کشورها را وادار می‌کند تا با کشورهای محور در این کریدور وارد تعامل و همکاری شوند. به یقین یکی از قطعات اصلی این کریدور ایران است که اقلام را در بنادر خلیج فارس تحویل می‌گیرد و تا سرحدات مرزهای شمالی خود منتقل می‌کند. البته شکل‌گیری این کریدور به شهریور سال ۱۳۷۹ ش. در سن پترزبورگ بازمی‌گردد که وزرای حمل و نقل سه کشور ایران، هند و روسیه اسناد شکل‌گیری این کریدور را نهایی کردند (محبوبی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۰۹). با این حال، به نظر می‌رسد که توسعه اصلی کریدور از زمانی جدی‌تر پیگیری شد که کشورهای محور در آن، بیش از پیش به هم نزدیک شدند و

^۱. Indo-Pacific

^۲. Quad (Quadrilateral Security Dialogue)

روابطشان با یکدیگر را توسعه دادند. به ویژه اتفاقات چند سال گذشته نظام بین‌الملل سبب شد تا ایران و روسیه به هم نزدیک شوند و همین مطلب، توسعه کریدور شمال- جنوب را سرعت بخشید. تخمین زده می‌شود که روسیه و ایران ۲۵ میلیارد دلار دیگر در این کریدور سرمایه‌گذاری خواهند کرد تا هر چه سریع‌تر از عواید هر چه بیشتر آن منتفع شوند (محمدپور و بویه، ۱۴۰۳: ۱۲۹).



تصویر ۳: مسیر گذرگاه شمال - جنوب در مقایسه با مسیر کانال سوئز به اروپا

Dadparvar & Kaleji, The Chabahar Transit Project:
Transition from Geo-Politics to Geo-Economics: 2024

با توجه به شواهد ذکر شده، به نظر می‌رسد که اهمیت منطقه غرب آسیا با محوریت خلیج فارس در دوران معاصر نیز کماکان ادامه دارد و اهمیت جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خلیج فارس دلیل دیگری بر علل حائز اهمیت بودن خلیج فارس است. این عامل در کنار سایر علل اهمیت خلیج فارس سبب خواهد شد تا روابط ایران و جهان و به ویژه کشورهای اروپایی همچنان منبعث از عامل خلیج فارس و جایگاه و تأثیراتش باشد و این مهم به حفظ و تداوم جایگاه خلیج فارس در روابط سالیان آتی ایران با کشورهای اروپایی و سایر کشورهای جهان منجر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

خلیج فارس همواره در روابط نوین ایران و اروپا نقش آفرین بوده است و این نقش آفرینی گاه با تأثیرات ایجابی و گاه با تأثیرات سلبی، روابط را دچار چالش‌هایی کرده است. واقعیت این است که در طول تاریخ، خلیج فارس به علل متعددی اهمیت داشته که در هر بازه‌ای از تاریخ، یک جنبه از این علل بر روابط ایران با سایر بازیگران جهانی تأثیر محوری گذاشته است. گاه مسئله منحصر به ژئوپلیتیک سنتی بوده، گاه میادین نفتی سرشار خلیج فارس و گاه محورهای ژئواکونومیک نوین؛ اما نکته مهم اینجاست که در این مقاله کوشش شد تا نشان داده شود که این تأثیرگذاری هیچگاه قطع نشده است و هیچگاه نقش خلیج فارس در تعیین روابط ایران با بازیگران جهانی از بین نرفته است. با توجه به این صورت مسئله پانصد ساله، اغراق‌آمیز نخواهد بود که ادعا کنیم خلیج فارس حداقل در چند دهه آتی نیز این جایگاه خود در محوریت دادن به روابط ایران و اروپا و سایر بازیگران جهانی را حفظ خواهد کرد و با توجه به سیر تاریخی که بررسی شد، بر ابعاد اهمیت آن افزوده خواهد شد و به یکی از ارکان اصلی شکل‌دهی به مسیر روابط ایران با بازیگران جهانی دیگری همچون اروپا تبدیل خواهد شد.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آریان‌فر، حمیدرضا، راهبرد تجاری آلمان در خلیج فارس طی دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش.)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۴۰۲، دوره ۲۴، شماره ۹۶، صص. ۱۱۵-۱۳۸.
- احمدی، سید عباس و نرجس‌سادات حسینی، رویکرد ژئوپلیتیکی به نقش ایران در منطقه خلیج فارس. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۴۰۰، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص. ۱-۱۷.
- بهبودی‌نژاد، قدرت‌الله، خلیج فارس بین استراتژی ایندوپاسیفیک ایالات متحده و ابتکار کمربند و راه چین، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۴۰۱، دوره ۳۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۴۴، صص. ۱۷۴-۱۴۵.
- بیگی‌زاده، مرضیه و حمید بصیرت‌منش، چگونگی ظهور و سقوط کشورهای پرتغال، هلند، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس، همایش ملی خلیج فارس، ۱۳۹۵.
- پوررمضان، پرهام، تحلیل تأثیرات توسعه‌کریدورهای ترانزیتی بر ارتقاء جایگاه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: کریدور جنوب به شمال)، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۶۸۷-۶۵۹.
- ثواقب، جهانبخش، اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۹۱، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص. ۱-۱۸.

جهانگیری، تارا، بررسی جایگاه خلیج فارس در سیاست خارجی منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا با محوریت نقش ایران (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۸ ش.)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۴۰۱، دوره ۲۳، شماره ۹۲، صص. ۱۱۹-۱۳۸.

چهره‌ز ابوالحسنی، منصور و عبدالرسول خیراندیش، واکنش کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به اعلام خروج بریتانیا از خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰ م، مجله تاریخ ایران، ۱۳۹۵، دوره ۹، شماره ۲، صص. ۴۳-۶۹.

دهقانان، مجید، محمدرضا حافظ‌نیا و محسن دهقانی، تبیین الگوی منازعات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس، نشریه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۱۴۰۱، دوره ۴، شماره ۱، صص. ۸۷-۱۱۸. رضایی، بهرام، تأثیر خلیج فارس بر امنیت ملی ایران. علوم و فنون نظامی، ۱۳۸۴، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۱۳۸-۱۲۷.

زارعی، بهادر و سید مهدی موسوی شهیدی، تبیین زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه روابط خارجی، ۱۴۰۰، دوره ۱۳، شماره ۴، صص. ۸۴۷-۸۷۸.

زمانی، مسعود، روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس (نمونه موردی: حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۲۵-۱۲۷۴ ق. / ۱۹۰۷-۱۸۵۶ م.)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص. ۶۹-۹۰.

سرحدی، رضا، چگونگی سلطه انگلستان بر خلیج فارس، پژوهشکده تاریخ معاصر، ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://iichs.ir/vdcjiye8.uqeytzsffu.html>

سعیدی‌نیا، حبیب‌اله و عبدالرزاق ملکی، پیامدهای جنگ جهانی دوم بر مناطق کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس، مطالعات تاریخی جنگ، ۱۳۹۵، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۷۳-۹۴.

شاهکویی، اسماعیل، حسین موسی‌زاده، مهدی خداداد و حمید عمونیا سماکش، جایگاه و نقش خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی (با تأکید بر قدرت نفت و گاز غرب آسیا)، مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، ۱۳۹۴، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۳۰-۱۳.

شجاعی دیوکلای، سید حسن، تأثیر تحولات جنگ جهانی دوم بر ناکامی تحقق اهداف ترانزیتی قرارداد بازرگانی و بحریمائی ۱۳۱۹ ایران و شوروی، مطالعات تاریخی جنگ، ۱۳۹۸، دوره ۳، شماره ۱، صص. ۱۱۳-۱۳۸. صاحبی، محمد، روابط ایران و بریتانیا، چالش‌های گذشته و حال، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۹۱، دوره ۲۶، شماره ۲، صص. ۴۳۶-۴۲۱.

طایر، محمد، تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در امنیت ایران با تحلیل فرایند سلسله مراتبی AHP، علوم و فنون نظامی، ۱۳۹۳، دوره ۱۰، شماره ۲۷، صص. ۱۶۲-۱۳۱.

طرفداری، علی محمد، حضور نخستین استعمارگران اروپایی در خلیج فارس: سرآغاز رویارویی دو نظام اقتصاد سنتی شرق و اقتصاد بورژوازی غرب، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۷، شماره ۳۶، صص. ۴۹-۷۲.

عسکری، سهراب، محیط‌زیست خلیج فارس رویکردی پُر اهمیت در ژئوپلیتیک منطقه، فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۱۳۸۷، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص. ۴۵-۵۱.

کریمی، مهدی، تبیین الگوی استقرار صلح در اروپای پس از جنگ جهانی دوم، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره ۱۱، شماره ۱، صص. ۳۵-۶۹.

واکاوی جایگاه تاریخی خلیج فارس در روابط ایران و اروپا □ ۱۳۷

قائدان، اصغر، سیاست شاه عباس اول در قبال تجارت اروپاییان در بنادر جنوبی ایران (با تأکید بر بندرعباس)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۹۲، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص. ۱۸-۱.

مرکز اسناد صنعت نفت، نقش نفت ایران در جنگ جهانی دوم، مرکز اسناد و موزه‌های صنعت نفت، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: <http://www.petromuseum.ir/content/4/374/>

محبوبی، فریبا، محمدرضا حافظ‌نیا، محمد اخباری و ریباز قربانی‌نژاد، تبیین نقش فرصت‌های ژئوپلیتیکی توسعه کریدور ترانزیتی جنوب به شمال بر افزایش همگرایی ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۴۰۲، شماره ۲۱، دوره ۷۳، صص. ۲۲۰-۱۹۹.

مؤمنی، فاطمه، اهمیت خلیج فارس در سیاست‌های بریتانیا تا پایان جنگ جهانی اول، رشد آموزش تاریخ، ۱۳۸۳، دوره ۱۷، صص. ۵۰-۴۳.

میرترابی، سعید، ۱۳۹۳، درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس.

نورعلی، حسن و سید عباس احمدی، واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل «ایران، هارتلند کریدوری جهان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۱۴۰۱، دوره ۵۴، شماره ۳، صص. ۱۱۸۷-۱۱۶۱.

لاتین:

Dadparvar, Shabnam & Vali Kaleji, 2024, The Chabahar Transit Project: Transition from Geo-Politics to Geo-Economics. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 1–26. <https://doi.org/10.1080/19448953.2024.2379670>.

Mousavi Jashni, Seyed Sadroddin, 2013, Persian Gulf-Indian Ocean Geopolitical Intertwinement. *Geopolitics Quarterly*, 9(32), 155-179.

Rahimi, Reza and Qiuomars Yazdanpanah Dero, 2024, Analyzing the Future of the Persian Gulf, Focusing on Iran-Saudi Arabia Relations. *Geopolitics Quarterly*, 20(4), 158-190. doi: 10.22034/igq.2024.419101.1805.

